

کالبد شکافی یک تجربه موفق از رویکرد جنبشی

فعالان کمیته هماهنگی...

دهم فروردین ماه هشتاد و شش

کارگران یخچال سازی لرستان با تجمع و تحصن خود در تهران در دو نوبت موفق شدند خواست‌های خود را به سرمایه‌داران بقبولانند. این که آیا سرمایه‌داران عملاً نسبت به تعهدات خود پایبند خواهند بود یا نه مسئله دیگری است که در آینده و در درجه اول در اثر ادامه و پیگیری مبارزه کارگران تعیین خواهد شد. اما به هر حال حتی اگر این تعهدات روی کاغذ هم بماند باز هم نوعی عقب نشینی سرمایه‌داران و به این اعتبار پیروزی کارگران محسوب می‌شود. اطلاعیه‌های این تجمع، چگونگی حرکت کارگران، مطالبات آنان و در نهایت نتیجه مبارزه کارگران به پیوست این مقاله آمده و خوانندگان را برای آگاهی از این جزئیات به اطلاعیه‌های پیوست ارجاع می‌دهیم.

بی‌تردید، نقش اصلی و تعیین کننده در این پیروزی را خود توده کارگران یخچال‌سازی ایفا کردند که با تحمل سختی‌ها و پایداری و پای فشاری بر خواست‌های خود و نیز مقابله با نیروهای سرکوبگر هیچ راهی را بجز عقب‌نشینی برای سرمایه‌داران باقی نگذاشتند، بنابراین، بستر اصلی و مادی این پیروزی حرکت خود کارگران بود. اما بر این بستر و دقیقاً با تکیه بر همین بستر، فعالان کارگری حاضر در این حرکت نیز نقش چشمگیری در این پیروزی داشتند.

این فعالان چه با حضور فعال و مسئولانه خود در این تجمع‌ها و چه با انجام کارهای تبلیغی و تدارکاتی مربوط به این حرکت ضمن هماهنگ کردن حرکت کارگران کوشیدند ضرورت پیوند آنان با بخش‌های دیگر جنبش کارگری و در درجه نخست کارگران بیکار و اخراجی و قراردادی برای برپائی یک جنبش سراسری و بدین سان فراهم نمودن زمینه ایجاد تشکل کارگران به صورت طبقه را برای کارگران توضیح و در عمل نشان دهند. هدف از این نوشته، بیان تجربه‌ی این فعالان برای کل فعالان جنبش کارگری است، باشد که با این کار به سازماندهی جنبش کارگری کمی کرده باشند.

این تجربه را در ابعاد زیر می‌توان خلاصه کرد:

۱- عامل اصلی در به حرکت در آمدن کارگران فشار کمرشکن و طاقت فرسای زندگی است که حتی بر آورده کردن ابتدایی‌ترین نیازهای زندگی را دشوار و گاه ناممکن ساخته است. مادیات و ارضای نیازهای مادی است که کارگران را به مبارزه می‌کشاند. تجمعات کارگران یخچال‌سازی در تهران برای رسیدن به مطالباتشان امری ابتدا به ساکن نبود بلکه مسبوق به دو سال مبارزه برای این مطالبات و در رأس آنها دستمزدهای معوقه بود. این تجمعات پیامد جان به لب شدن کارگران و این درو آن در زدن آنان برای رفع نیازهای ابتدایی زندگی‌شان بود. اگر این اصل آهنین و بی چون و چرای زندگی را به عنوان زیر بنای تمام شرایط دیگر بپذیریم، آنگاه به این نتیجه می‌رسیم که کارگران ابتدا و پیش از هر چیز برای امرار معاش خود مبارزه می‌کنند و سپس در جریان این مبارزه به نیازهای دیگر از جمله

نیازهای تشکل کارگری می‌رسند. این حکم، بسیار ساده و بدیهی به نظر می‌رسد، و از همین رو در بر خورد اول ممکن است مورد مخالفت هیچ یک از فعالان کارگری قرار نگیرد. اما عملاً چنین نیست. پیشینه و عملکرد بسیاری از فعالان کارگری خلاف این را نشان می‌دهد. این فعالان با رویکرد گروهی خود- به تفکیک از رویکرد جنبشی- به جای تقدم مبارزه مادی کارگران بر تشکل آنان، تشکل را بر مبارزه مقدم شمرده اند و می‌شمرند. این تقدم عنصر و انگیزه ذهنی بر عنصر و انگیزه عینی بر خلاف واقعیت عریان جنبش کارگری است. تشکل کارگری تنها با عزیمت از بستر عینی و خود انگیزه مبارزه کارگران می‌تواند ایجاد شود. تشکل سازی در خارج از این بستر، کاری بیرون از ریل مبارزه طبقاتی کارگران است و حاصلی جز تکرار تجربه‌های ناکام گروهی نخواهد داشت.

۲- پیشروان و آگاهان جنبش کارگری فقط بر بستر مبارزه توده کارگران می‌توانند متشکل شوند و این مبارزه را رهبری کنند. پیشروان طبقه کارگر تنها در صورتی می‌توانند مبارزه این طبقه را رهبری کنند که بدنه کارگری را مخاطب قرار دهند و نه صرفاً کارگران هم نظروهم عقیده خود را. فعالان حاضر در حرکت کارگران یخچال‌سازی رو به توده کارگران داشتند و نه فقط این یا آن کارگر هم عقیده خود. و تنها پس از این مخاطب قرار دادن بدنه و روشنگری بر بستر مبارزه این بدنه بود که کارگران هم عقیده و هم نظر با فعالان کارگری گردآمدند و به طرح نظرات خود در مورد چگونگی پیشبرد حرکت و اتحاد و همبستگی با کارگران دیگر برای ایجاد تشکل کارگری پرداختند. به این ترتیب، حرکت کارگران رهبران خود را یافت، اما رهبرانی که بر بدنه کارگری و بر اساس سوخت و ساز درونی و ارگانیک مبارزه توده کارگران شکل گرفته بودند، به طوری که وقتی حضوریکی از این رهبران در جمع نمایندگان مذاکره کننده با مخالفت یکی دیگر از نمایندگان روبه رو شد (تحت این عنوان که او کارگریخچال‌سازی نیست و نباید در جمع نمایندگان حضور داشته باشد) نمایندگان دیگر اعلام کردند که اگر او حضور نداشته باشد ما نیز در مذاکره شرکت نخواهیم کرد و به این ترتیب این رهبر و فعال کارگری با پشتیبانی قاطع کارگران حاضر در تجمع در مذاکره شرکت کرد و طرف مقابل مذاکره نیز مجبور به پذیرش او به عنوان یکی از نمایندگان کارگران شد.

این تجربه- حتی در همین مقیاس بسیار کوچک و محلی آن- از آنرو حائز اهمیت است که دغدغه‌ای در میان برخی از فعالان کارگری وجود دارد مبنی بر این که آیا عزیمت از بدنه جنبش کارگری به معنی کم بها دادن به نقش رهبری و در غلطیدن به تز «جنبش همه چیز و هدف نهایی هیچ چیز نیست»؟ بدون شک، جنبش کارگری باید با رهبری و حول هدف مبارزه با سرمایه داری سازمان یابد. به عبارت دیگر، بدنه این جنبش باید سر داشته باشد. اما مسئله این است که این «سر» چگونه ایجاد می‌شود؟ با عزیمت از بدنه یعنی شرکت فعال در مبارزه توده کارگران و مخاطب قرار دادن کل این توده یا درست کردن یک «سر» جدا از بدنه و سپس درخواست از توده کارگران برای پیوستن به این «سر»؟ تجربه فعالان کارگری شرکت کننده در تجمعات کارگران یخچال‌سازی به حقانیت شق اول گواهی می‌دهد. بدنه کارگری «سر» را که با عزیمت از تئوری صرف ساخته شده باشد «سر» خود نخواهد دانست و به آن نخواهد پیوست.

۳- هر چند مبارزه طبقه کارگر مبارزه‌ای اقتصادی- سیاسی است، لیکن کارگران از مطالبات مشخصاً اقتصاد عزیمت می‌کنند و از آنجا به عرصه سیاست و درگیری با نظام سیاسی حاکم می‌رسند. تنها پس از آن که کارگران یخچال‌سازی برای تحقق خواست‌های اقتصادی خویش با کارفرما و عوامل او را گروگان گرفتند سر و کله نیروهای انتظامی و ضد شورش پیدا شد. این حکم نه فقط در مورد حرکت کارگران یخچال‌سازی بلکه در مورد هرگونه اعتراض و مبارزه

کارگری صادق است. در هر اعتراض و تجمعی کارگران ابتدا با کارفرمای خود و برسر مطالبات اقتصادی درگیر می شوند. تنها پس از این مرحله است که دولت و نیروهای سرکوب آن برای حمایت از کارفرما وارد ماجرا می شوند و بدین سان کارگران وارد درگیری با نظام سیاسی حاکم می شوند. به سخن دیگر، به تبع رهایی اقتصادی است که کارگران وارد قلمرو سیاست می شوند. به این اعتبار است که می گوئیم هر مبارزه طبقاتی یک مبارزه سیاسی است. اما نکته مهم و مورد نظر ما در اینجا آن است که از دیدگاه کارگران هر گونه حرکت سیاسی از جمله براندازی نظام سیاسی تابع رهایی اقتصادی آنان است. این مسئله چنان روشن است که نیازی به توضیح بیشتر ندارد. تاکید بر آن صرفاً از این رو ضروری است که کم نیستند کسانی که خود را فعال کارگری می دانند اما برعکس این روند حرکت می کنند، یعنی از مبارزه با نظام سیاسی حاکم به ضرورت توجه به مبارزه اقتصادی کارگران می رسند. غافل از آن که این گونه ضدیت با نظام سیاسی چیزی جز مبارزه فراطبقاتی و بی ربط به طبقه کارگر و رهایی او نیست، مبارزه ای که کارگران را به سیاهی لشکر طبقات دیگر بدل می کند.

۴- از آن جا که مبارزه کارگران مبارزه ای اساساً علنی است، رهبران آنان نیز فقط به صورت اساساً علنی می توانند این مبارزه را رهبری کنند. توده کارگران به درستی نمی توانند این نکته را درک کنند که کسی مبارزه آنان را عملاً و نظراً رهبری کند اما هویت اش غیر واقعی باشد. آنان به درستی انتظار دارند که همانگونه که خود را با هویت و اسم و رسمی واقعی معرفی می کنند فعالان و رهبران کارگری نیز خود را با هویت و اسم و رسم واقعی معرفی کنند. آنان به درستی توقع دارند که همان طور که خود از جزئیات زندگی و مشقات و گرفتاری های خود سخن می گویند، فعالان و رهبران کارگری نیز به همان روشنی و صراحت از زندگی و گرفتاری هایشان سخن بگویند. در غیر این صورت، توده کارگران این فعالان و رهبران را از خود نخواهند دانست. به درستی احساس خواهند کرد که کسی صداقت و حسن نیت آنان را مورد سوء استفاده قرار داده است. کسی که خود را فعال کارگری می داند اما به گونه ای با توده کارگران برخورد میکند که انگار در خانه تیمی زندگی می کند هیچگاه مورد اعتماد توده کارگران قرار نخواهد گرفت. البته این نکته نه به این معنی است که رهبر و فعال کارگری در صورت لزوم نباید مخفی شود و نه حاوی این معنا است که توده کارگران مخفی کاری نمی کنند و یا ضرورت آن را درک نمی کنند. در بسیاری از اوقات، توده کارگران مخفی کاری را بسیار بهتر و کارآمدتر از فعالان کارگری مورد بحث درک می کنند و انجام می دهند. اما مخفی کاری توده کارگران نیز همچون مبارزه آنان پای بر زمین سفت و واقعیات دارد و در عالم انتزاعیات سیر نمی کند.

همچنین اگر شرایط حکم کند که فعالان و رهبران کارگری مورد اعتماد کارگران مخفی شوند توده کارگران همچون مردمک چشم از آنان حفاظت خواهند کرد. و آنان این کار را نه به دلایل شخصی بلکه دقیقاً به دلایل طبقاتی می کنند. درد و نیاز مشترک طبقاتی است که آنان را به این کار و می دارد. درست از این رو بود که کارگران یخچال سازی به طرق مختلف می کوشیدند فعالان کارگری حاضر در تجمع را از چشم نیروهای امنیتی و انتظامی مصون نگه دارند.

فعالان کمیته هماهنگی در خرم آباد و تهران

تاریخ: چهارشنبه، ۸ فروردین، ۱۳۸۶

منبع: سایت کارگران پیشرو